

Beyond Yes: 4 Natural Ways to Agree in English

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

106 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, I think we should move our Saturday picnic indoors.

مارتین، فکر می‌کنم باید پیک‌نیک شنبه‌مان را در فضای سرپوشیده برگزار کنیم.

Why?

چرا؟

The weather app says there is only a small chance of rain.

برنامه هواشناسی می‌گوید احتمال باران خیلی کم است.

Look again.

دوباره نگاه کن.

Oh.

اوه.

Heavy rain from midday.

از ظهر باران شدید می‌بارد.

Exactly.

دقیقا.

That sounded more natural than a lonely "yes".

این طبیعی‌تر از یک «بله»ی تنها به نظر رسید.

A lonely yes?

یک بله تنها؟

It agrees, but it does not show how I am connecting with your idea.

موافقت را نشان می‌دهد، اما معلوم نمی‌کند چگونه با ایده تو ارتباط برقرار می‌کنم.

Then today, let us give "yes" some company.

پس امروز کمی به «بله» همراهی بدهیم.

Welcome to Your English Toolbox.

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.



And I am Julia.

و من جولیا هستم.

This is the second episode of Everyday Useful Expressions.

این دومین قسمت از مجموعه Everyday Useful Expressions است.

Our series gives you ready-made English for real conversations.

مجموعه ما انگلیسی آماده استفاده برای گفت‌وگوهای واقعی به شما می‌دهد.

Today, we are learning four natural ways to agree without simply repeating “yes”.

امروز چهار روش طبیعی برای موافقت کردن بدون تکرار ساده «بله» یاد می‌گیریم.

“Yes” is correct, but using it for every response can sound flat or less engaged than you really are.

«بله» درست است، اما استفاده از آن برای هر پاسخ ممکن است بی‌روح یا کم‌اشتیاق‌تر از احساس واقعی شما به نظر برسد.

Each expression shows a slightly different kind of agreement.

هر عبارت نوع کمی متفاوتی از موافقت را نشان می‌دهد.

Our first expression is: Exactly.

اولین عبارت ما این است: Exactly.

Exactly.

Exactly.

Use it when another person expresses the same idea that you were thinking.

وقتی استفاده کنید که شخص دیگری همان ایده‌ای را بیان می‌کند که شما در ذهن داشتید.

It means, “That is precisely what I mean.”

یعنی: «دقیقا منظور من همین است.»

Imagine we are planning a meeting.

تصور کنید در حال برنامه‌ریزی یک جلسه هستیم.

“We should send the agenda early, so everyone can prepare.”

«باید دستور جلسه را زودتر بفرستیم تا همه بتوانند آماده شوند.»

“Exactly.

«Exactly.

Then we can use the meeting to make decisions.”

آن وقت می‌توانیم از جلسه برای تصمیم‌گیری استفاده کنیم.»

You strongly agree, and your next sentence develops the shared idea.

با قدرت موافقت می‌کنید و جمله بعدی‌تان ایده مشترک را گسترش می‌دهد.

Is “exactly” formal?

آیا “exactly” رسمی است؟



It is neutral.

خنثی است.

You can use it with friends, colleagues and in professional conversations.

می‌توانید آن را با دوستان، همکاران و در گفت‌وگوهای حرفه‌ای به کار ببرید.

A warm “Exactly” sounds engaged.

یک «Exactly» گرم، مشتاقانه است؛

A sharp one can sound impatient.

اما لحن تند ممکن است بی‌صبرانه به نظر برسد.

Our second expression is: That makes sense.

عبارت دوم ما این است: That makes sense.

That makes sense.

That makes sense.

We use it when we understand the reason behind someone's choice.

وقتی از آن استفاده می‌کنیم که دلیل انتخاب کسی را درک می‌کنیم.

“I am leaving home early because the roads get busy after eight.”

«زود از خانه بیرون می‌روم چون جاده‌ها بعد از ساعت هشت شلوغ می‌شوند.»

“That makes sense.

«That makes sense.

You will have a calmer journey.”

سفر آرام‌تری خواهی داشت.»

Understanding a decision is not always the same as fully agreeing with it.

درک یک تصمیم همیشه به معنای موافقت کامل با آن نیست.

So I can say it even if I might choose differently.

پس حتی اگر خودم انتخاب دیگری داشته باشم، می‌توانم این را بگویم.

Correct.

درست است.

And remember: “That makes sense”.

و یادتان باشد: “That makes sense”.

Not “That has sense”.

نه “That has sense”.

Exactly.

دقیقا.



Expression number three is: I see your point.

عبارت شماره سه این است: I see your point.

I see your point.

I see your point.

This tells the other person that you recognise their perspective.

این عبارت به طرف مقابل نشان می‌دهد که دیدگاه او را درک می‌کنید.

It is useful when a conversation has two reasonable sides.

وقتی یک گفت‌وگو دو جنبه منطقی دارد، بسیار مفید است.

Suppose I say, "Our emails are too long.

فرض کنید می‌گوییم: «ایمیل‌های ما خیلی طولانی‌اند.

We should make them shorter.»

باید کوتاه‌ترشان کنیم.»

"I see your point.

«I see your point.

People might read a shorter message more carefully.»

شاید مردم پیام کوتاه‌تر را با دقت بیشتری بخوانند.»

That sounds like agreement.

این شبیه موافقت است.

It is.

همین‌طور است.

But the expression can also introduce a respectful difference.

اما این عبارت می‌تواند تفاوت نظری محترمانه را هم آغاز کند.

"I see your point, but some details are still necessary.»

«اما هنوز بعضی جزئیات لازم‌اند، I see your point.»

So it means, "I understand your argument," not always, "I agree with every part."

پس یعنی «استدلالت را می‌فهمم»، نه همیشه «با همه بخش‌های آن موافقم».

That makes it very useful in discussions.

به همین دلیل در بحث‌ها بسیار کاربردی است.

Our fourth expression is: You have a point.

عبارت چهارم ما این است: You have a point.

You have a point.

You have a point.



We use this when someone gives us a good reason we had not fully considered.

وقتی از آن استفاده می‌کنیم که کسی دلیل خوبی می‌آورد که قبلاً کاملاً در نظر نگرفته بودیم.

Imagine I want to drive into the city centre.

تصور کنید می‌خواهم با ماشین به مرکز شهر بروم.

“The train might be easier because parking will be expensive.”

«شاید قطار آسان‌تر باشد، چون پارک کردن گران خواهد بود.»

“You have a point.

«You have a point.

Let us take the train.”

با قطار برویم.»

The argument has influenced your decision.

آن استدلال بر تصمیم شما تأثیر گذاشته است.

With a friendly tone, it shows openness rather than defeat.

با لحنی دوستانه، این عبارت پذیرش را نشان می‌دهد، نه شکست را.

Can I add “there”?

می‌توانم “there” را اضافه کنم؟

Yes.

بله.

“You have a point there” is also natural.

نیز طبیعی است «You have a point there».

Let us compare the four.

بیایید هر چهار عبارت را مقایسه کنیم.

“Exactly” shows strong agreement with the precise idea.

موافقت قوی با همان ایده دقیق را نشان می‌دهد «Exactly».

“That makes sense” shows that you understand the logic.

نشان می‌دهد منطق را درک می‌کنید «That makes sense».

“I see your point” recognises another perspective and can introduce a qualification.

دیدگاه دیگری را به رسمیت می‌شناسد و می‌تواند مقدمه یک قید یا تفاوت باشد «I see your point».

And “You have a point” admits that someone has offered a valid reason.

و «You have a point» می‌پذیرد که کسی دلیل معتبری مطرح کرده است.

Time for a quick challenge.

وقت یک چالش کوتاه است.



Choose the most natural expression before we answer.

.....

پیش از پاسخ ما، طبیعی‌ترین عبارت را انتخاب کنید.

Situation one.

.....

موقعیت یک.

A colleague says the exact thing you were about to say.

.....

همکاری دقیقاً همان چیزی را می‌گوید که شما می‌خواستید بگویید.

Exactly.

.....

Exactly.

Situation two.

.....

موقعیت دو.

A friend explains why they need to change a plan, and you understand the reason.

.....

دوستی توضیح می‌دهد چرا باید برنامه‌ای را تغییر دهد و شما دلیلش را می‌فهمید.

That makes sense.

.....

That makes sense.

Situation three.

.....

موقعیت سه.

You recognise someone's opinion, but want to add a different concern.

.....

نظر کسی را درک می‌کنید، اما می‌خواهید نگرانی دیگری اضافه کنید.

I see your point.

.....

I see your point.

Situation four.

.....

موقعیت چهار.

You were doubtful, but the other person gives you a convincing reason.

.....

تردید داشتید، اما طرف مقابل دلیل قانع‌کننده‌ای می‌آورد.

You have a point.

.....

You have a point.

Now it is your turn.

.....

حالا نوبت شماست.

Respond to this idea: Practising English for ten minutes every day is more useful than studying once a month.

.....

به این ایده پاسخ دهید: تمرین روزانه ده دقیقه‌ای انگلیسی مفیدتر از ماهی یک بار درس خواندن است.

Choose one expression, then add one sentence of your own.

.....

یک عبارت انتخاب کنید و سپس یک جمله از خودتان اضافه کنید.



A short response plus one reason helps you sound involved, not automatic.

یک پاسخ کوتاه همراه با یک دلیل باعث می‌شود مشارکت‌جو به نظر برسید، نه خودکار.

On the episode page at yourenglishtoolbox.com, you will find five additional ways to agree that are not taught in this audio.

در صفحه این قسمت در yourenglishtoolbox.com پنج روش دیگر برای موافقت پیدا می‌کنید که در این فایل صوتی آموزش داده نشده‌اند.

You can compare their tone and use them in a short active-practice exercise.

می‌توانید لحن آن‌ها را مقایسه کنید و در یک تمرین فعال کوتاه به کار ببرید.

The direct link is in the episode description.

لینک مستقیم در توضیحات قسمت است.

Now, Julia, about our Saturday picnic.

حالا جولیا، درباره پیکنیک شنبه‌مان.

Indoors, with hot drinks and a few board games.

در فضای سرپوشیده، با نوشیدنی گرم و چند بازی رومیزی.

That makes sense.

That makes sense.

Only “that makes sense”?

فقط «that makes sense»؟

Exactly.

Exactly.

And I will bring the cake.

و من کیک می‌آورم.

Then we agree completely.

پس کاملاً موافقیم.

See you next time, friends.

تا دفعه بعد، دوستان.

Goodbye.

خداحافظ.

